

# تحول مفهوم اعجاز قرآن کریم در گذر تاریخ

اعجاز القرآن الكريم عبر التاريخ، عيسى بلاطه، بيروت: مؤسسة العربية للدراسات و النشر، چاپ اول، ۲۰۰۷، ۳۶۷ صفحه.

دکتر عیسی بلاطه، پژوهشگر و منتقد فلسطینی، مقیم کاناداست و پیش از این استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه مک‌گیل مونترال بوده است. وی دوره‌ای نیز به‌عنوان استاد مطالعات اسلامی و عربی در مدرسه عالی هارتفورد ایالات متحده اشتغال داشته است. بلاطه صاحب آثاری به زبان انگلیسی و عربی در حوزه نقد ادبی و ادبیات است که از شمار آنها می‌توان به اینها اشاره کرد: دیدگاه‌های انتقادی درباره ادبیات معاصر عربی (به زبان انگلیسی) و رومان‌تیسیم و نشانه‌های آن شعر معاصر عربی (به زبان عربی).

وی در کتاب *اعجاز قرآن کریم در گذر تاریخ*، مسئله اعجاز قرآنی را از صدر اسلام تا عصر حاضر بررسی می‌کند، معتقد است که در شکل نهایی و ثابت نمی‌توان دیدگاهی یافت که بتوان درباره عناصر و علل این اعجاز بدان استناد و اعتماد جست.

این کتاب که در سلسله آثار ناشر در حوزه مطالعات ادیان به چاپ رسیده، حاوی مقدمه‌ای تحلیلی و معرفی تاریخی است که در آن به گزیده‌ای از آثاری که مؤلف از برخی از نویسندگان و پژوهشگران گردآوری کرده، استناد شده است. دکتر بلاطه بعد از معرفی تاریخی آرا و نظریات مختلف در این موضوع، به‌طور مبسوطی به عصر حاضر پرداخته و آثار و پژوهش‌های این عصر و به شکل مفصل‌تر آثار و دیدگاه‌های خانم عائشه عبدالرحمن، دین‌پژوه مصری، را درباره اعجاز قرآنی بررسی و تحلیل می‌کند.

مؤلف درباره تأثیر شدید قرآن کریم بر اعراب معاصر پیامبر گرامی اسلام (ص) بیان می‌کند که این اشخاص «عالمان علم بلاغت یا منتقدان ادبی نبودند، بلکه دارای استعداد و ذوق ذاتی برای فهم آنچه بر آنان تلاوت می‌شد و صاحب قدرت طبیعی در درک فصاحت آن بودند. از همین رو بود که آنان دریافتند که قرآن کریم کلامی غیرعادی است که لفظ و کلامش بر تمام سخنانی که پیش از آن از ادیبان و سخنوران شنیده شده بود، برتری دارد». بلاطه توضیح می‌دهد که درباره پدیده ناتوانی بشر از معارضه با قرآن کریم از جنبه معنایی و ساختاری، از اوایل قرن هفتم میلادی در آثار اسلامی با لفظ «اعجاز» به آن اشاره شده است.

این قرن هرچقدر به پایان خود نزدیک می‌شد، مفهوم این واژه دچار دگرگونی و تحول شد و به واژه‌ای علمی بدل گردید که از نظر دینی به این موضوع اشاره داشت که قرآن معجزه الهی است و بر صدق نبوت حضرت محمد (ص) دلالت دارد و این اعجاز، دلیل روشنی بر این است که قرآن کریم از سوی خداوند متعال نازل شده است، طوری که بشر بالفعل مطلقاً قادر به معارضه با آن و آوردن همانند آن یا سوره‌ای مثل آن نیست. مؤلف اضافه می‌کند که تأثیر و نقش جاحظ (۱۵۰-۲۵۰ ق) و دیگر متفکران و ادیبان مسلمان در تأکید بر فصاحت و بلاغت قرآن کریم موجب شد که «ارتباط واژه اعجاز با شیوه بلاغی ممتاز و بی‌نظیر قرآن افزایش یابد». در عین حال که برخی نیز نظریات جدیدی درباره اعجاز قرآن کریم مطرح کردند. از شمار این گروه، نظام (م ۲۲۱/۲۳۱ ق) معتزلی بود که نظریه «صرفه» را وارد دایره مناقشات علما در این زمینه کرد. صرفه به معنای بازداشتن اعراب است از معارضه با قرآن از رهگذر سلب علمی که می‌توان با آنها مثل قرآن را آورد؛ که البته جز افراد معدودی این نظریه را نپذیرفتند.

اعجاز القرآن الکریم عبر التاريخ، عیسی بلاطه، بیروت: مؤسسه العربیة للدراسات و النشر، چاپ اول، ۲۰۰۷، ۳۶۷ صفحه.



ثار و اظهارنظرها درباره اعجاز از قرن هفتم میلادی ادامه یافت، طوری که جنبه‌های آن محور و موضوع مناقشه متفکران مسلمانی شد که درباره این موضوع می‌نوشتند و به همین دلیل، مفهوم آن دچار تحول شد. از جمله این متفکران، الرمانی (۶۹۲ - ۳۸۴ ق)، صاحب کتاب *النکت فی اعجاز القرآن* بود. این کتاب از نخستین آثاری است که واژه اعجاز در عنوان آن وارد شد. بر اساس دیدگاه الرمانی اعجاز قرآن دارای هفت جنبه است که عبارت- اند از: ترک معارضه با قرآن با وجود انگیزه‌هایی برای آن، تحدی قرآن با همه، صرفه، بلاغت، اطلاعات و اخبار درست از حوادث آینده، نقض و خرق عادت آن از جنبه ادبی، و مقایسه قرآن با تمام معجزاتی که ادیان دیگر آورده‌اند.

اما الخطابی (۳۸۸-۳۱۷/۳۱۹ ق) که هم- روزگار الرمانی و از اهل سنت بود، ضمن ردّ نظریه «صرفه» در کتاب *بیان اعجاز القرآن*، این موضوع را که خبر دادن از آینده - با این اعتبار که تأثیر روانی قرآن بر جان‌ها از جلوه- های اعجاز است و آن به دلیل مجموعه‌ای از امتیازات منحصر به فرد بلاغی این کتاب آسمانی است - از جنبه‌های اعجاز به شمار می- آید، مردود دانسته است. از سوی دیگر قاضی عبدالجبار (۹۵۳-۵۱۴ ق) معتزلی در کتاب *المعنی*



*فی ابواب التوحید و العدل* تأکید می‌کند که اسلوب ممتاز قرآن یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم است و این فصاحت، محصول برتری لفظ و معنای آن است.

### مطالعات جدید

در قرن بیستم محمد عبده (۶۲۱-۳۲۳ ق)، عالم مصری عصر نهضت، مطالعات و تحقیقات این حوزه را به‌سادگی معقولانه‌ای بازگرداند و به‌اختصار در کتاب *رسالة التوحید* درباره اعجاز بحث کرد و از تحلیل تفصیلی مسائل نحوی و بلاغی در قرآن کریم خودداری کرد. در این دوره عبدالمتعال الصعیدی، استاد دانشگاه قاهره، در کتاب *النظم الفنی فی القرآن* (نظم هنری در قرآن) بر نگرش به قرآن به‌مناظره یک کل و «علم ارتباط آیات» تأکید می‌کند. در حالی که سید قطب (۴۲۳۱-۳۸۷ ق) در چند کتاب از جمله *التصویر الفنی فی القرآن*، *مشاهد القیامة فی القرآن* و *تفسیر فی ظلال القرآن* و مقالات مختلف

به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و بلاغی اسلوب قرآن اهتمام خاصی قائل بود. وی بر این باور بود که قرآن با تصاویر ملموس و خیال‌انگیز از مفاهیم ذهنی، حالت روحی و صحنه مجسم- شده سخن می‌گوید.

عیسی بلاطه آثار دیگری از دوره معاصر از جمله کتاب *اعجاز القرآن* اثر عبدالکریم الخطیب را که در سال ۱۹۶۴ به چاپ رسیده است، نیز بررسی کرده و سپس به‌تفصیل دیدگاه‌های خانم عائشه عبدالرحمن را در کتاب *الاعجاز البیانی للقرآن و مسائل ابن الازرق* مورد بحث قرار می‌دهد. مؤلف معتقد است که عائشه عبدالرحمن با کسانی که اعجاز قرآن را به هر چیز دیگری جز اسلوب منحصر به فرد آن نسبت می‌دهند، مخالف است. اگرچه به این موضوع نیز اعتراف می‌کند که اعجاز از هر تلاشی برای تعیین حدود کردن و شناخت رمز و راز آن فراتر است.

مؤلف درباره این کتاب نیز متذکر می‌شود که شیوه پژوهش استقرائی بوده و در آن درک جدیدی از کاربرد زبان را کشف می‌کند که پیشینیان در تحقیقاتشان درباره اعجاز بدان توجهی نداشتند که مایه شگفتی نیز هست. مثل دیدگاهش درباره عدم نیاز به فاعل و بنای فعل بر اساس مجهول در موضع روز قیامت و نیز نظرش درباره کاربرد صیغه‌های مطاوعه<sup>۱</sup> در موضوع آخرت.

مترجم: علی علی محمدی

### پی‌نوشت:

۱. فعل مطاوعه، فعلی است که به یکی از باب- های ایستا یا عمل‌پذیر رفته و تقریباً برابر با فعل مجهول است.